

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباوویچ

ربی مناخم مندل شیرسون

ترجمه کتاب Torah studies

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

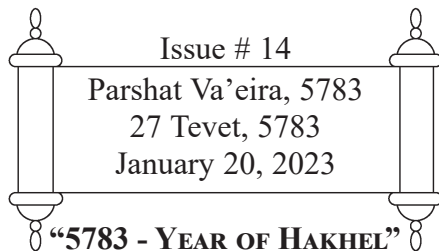
ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:
Mr. Parviz Mojdehi

*

Reprinted with permission by:
Chabad Persian Youth
&
Moshiach Awareness Center



Friday, January 20, Light Shabbat Candles, by 4:53 p.m.
Saturday, January 21, Shabbat ends at 5:57 p.m.
(Times are for Los Angeles)

در زندگی درونی انسان نیز موجود است. بالا که بصورت سمبلیک عقل و دانش خوانده شده است به زمینه عمل کشانده شد. و پائین که (بصورت سمبلیک پذیرش کامل خواسته خداوند - قبالت عول) پاشنه یعقوب خوانده شده است به بالا رفت تا بدانجا که عقل را بنحوی صورت بخشید که به ایمان بدون قید و شرط تبدیل شد.

و این درسی است برای هر فرد یسرائل که آنان که در بالاترین درجات روحانی هستند و آنان که در پائین ترین درجات هستند می بایست با یکدیگر همکاری کنند. سران طوایف شما می بایست پائین بیایند و خودشان را با جمع کنندگان چوب های شما و کشندگان آب شما یکی کنند. آنها نیز می بایست خودشان را با یادگیری تورا و انجام میصوت بالا ببرند و هر فرد یهودی حتی اگر در میان سران جماعت نیز جای دارد نمی بایست آنچنان غرق و شیفته یادگیری بشود که از دیگران جدا شده و مانع بشود که او در مسائل دنیوی داخل شود و از آنها غافل بماند. این قدرت ایجاد وحدت مابین بالاترین ها و پائین ترین ها خصوصیتی است که از مشه به ما به ارث رسیده است. و این نوع عملکرد باعث شد شخصی همچون مشه ربنو باعث آزادی ملت ما از مصر بشود و در وجود ما آن آزادی نهایی که همه مرزها را می شکند. یعنی آمدن ماشیح را فراهم کند. (منبع لیکوتی سیخوت فصل سوم ص ۸۵۴ الی ۸۶۲) (Source: Likkutei Sichot, Vol. 3, pp. 854-862)

JEWISH CHILDREN:
Get your own letter
in a Sefer Torah!
<http://www.kidstorah.org>

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

Reprinted with permission by:
CPY & Moshiach Awareness Center,
Chabad Persian Youth a Project of:
9022 W Pico Boulevard. Enlightenment For The Blind, Inc.
Los Angeles, CA 90035 602 North Orange Drive.
Tel.: (310) 777-0357 Los Angeles, CA 90036
Fax: (310) 777-0357 Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092
<http://www.cpycenter.org> <http://www.torah4blind.org>
e-mail: cpycenter@sbeglobal.net e-mail: yys@torah4blind.org
Rabbi Hertzal Peer, Executive Director Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director
Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

وَأَيُّهَا

طرف "فرزندان مردان خدا اعمال نیک آنها هستند" ۲۴. یعنی کسانی که از طریق عشق واحساس خداوند را عبادت می کنند این عبادت به عمل ختم شده و این اعمال در واقع فرزندان آنها خوانده خواهند شد.

از طرف دیگر حاصل همه اعمال آنها در فرزندان آنها موجود است. یعنی آنها خودشان را از دیگران جدا نکردند بلکه علاقه مند به راحتی و رفاه دیگران بودند وبنابراین ارزش هایشان را به فرزندانشان به عنوان یک میراث دائمی منتقل کردند.

این مطلب توضیحی است بر تفسیر راشی که چرا اوراهام، ایسحاق و یعقوب را پدران معرفی می کند که مطلبی است واضح و روشن که همه آنرا میدانند. در واقع چیزی که راشی با این مطلب می خواهد به ما بگوید این است که ظاهر شدن خداوند به آنها بخاطر این خصوصیت پدران آنها بوده و آنکه آنها مردانی بوده اند که فرزندان از خود بجا گذاشته اند (چه این فرزندان اعمال خوب آنها تلقی بشود و چه فرزندان که صفات خوب آنها را به ارث برده اند) برطبق آنچه که تورا می گوید خداوند اوراهام را بخاطر آن دوست میداشت که "چونکه میدانم که او به فرزندانش و خانواده اش دستور خواهد داد که بعد از او راه و طریق خداوند را نگه بدارند". ۲۵

۷- معنای جواب خداوند

بنابراین جوابی که خداوند به مشه داد آن بود که اگر او شناخت خودش را از خداوند همچون شناخت پدران با عشق و احساس ترکیب کند بدون آنکه این خصوصیت شناخت خداوند از طریق دانش و حکمت را کنار بگذارد، به این ترتیب اولاً ایمان او بدون قید و شرط خواهد شد و دیگر سئوالی برایش مطرح نمی شود و ثانیاً او به مردی تبدیل می شود که دانش خود را به عمل تبدیل کرده است.

در واقع ما می بینیم که مشه ربنو در این زمینه نهایتاً به درجانی بالا تر از پدران هم رسید. در حالیکه آنها زندگی شبانی ۲۶ داشتند و از دنیا بدور بودند مشه ربنو تورا را ترجمه می کند و آنرا به دنیا عرضه می کند. و تا بدانجا بار جماعت بیسرائل را بدوش می کشد که به خداوند می گوید " ۲۷ به من می گویی آنها را در بغل خودت حمل کن؟" این طریق دوگانه ظهور خداوند در کوه سینای "زمانی که بالا به پائین آمد و پائین به بالا رفت".

بعد از آنکه خداوند مشه را نزد فرعون فرستاد که از او بخواهد که بیسرائل ها را آزاد کند نه فقط درخواست او عملی نشد بلکه این عمل باعث شد که فرعون بردگی آنها را سخت تر کند. بنابراین مشه از خداوند می پرسد که «چرا به این قوم بدی کردی؟» جوابی که او میگیرد این است که او باید ایمانی همچون اوراهام ایسحاق و یعقوب داشته باشد که هرگز خداوند را مورد سؤال قرار ندادند. این مبحث در مورد نوع ایمان پدران ما و این که چرا مشه این عمل خداوند را مورد سؤال قرار میدهد سخن می گوید. و کاربرد جوابی که خداوند به مشه میدهد را مطرح می کند.

۱- سؤال مشه

در پایان پاراشای قبلی می خوانیم که "مشه از خداوند می پرسد: چرا به این قوم بدی کردی؟" اهمیت این سؤال در این است که چگونه ماموریتی که خداوند دستور داده است و بوسیله مشه انجام میشود. و در مورد آزادی از مصر می باشد. می تواند باعث اضافه شدن بیشتر رنج و بدبختی بیسرائل ها بشود؟ آزادی بخودی خود کاملاً چیز خوبی است ۱ " مشه که عامل انجام این ماموریت است نیز عامل خوبی است" ۲ و خداوند که فراهم کننده این آزادیست نیز مظهر خوبی است. بنابراین علت این اضافه شدن بیشتر "رنج و بدبختی بیسرائل ها چه بود؟" ۳.

و جوابی که خداوند به مشه می دهد در آغاز این پاراشا آمده است که "خداوند به او گفت من خداوند هستم و من به اوراهام ایسحاق و یعقوب با نام خداوند قادر مطلق (کل شدای) ظاهر شدم اما نام من چهار حرفی ام را به آنها نشناساندم". ۴ به عبارت دیگر خداوند مشه را مورد عتاب قرار داده و می گوید که اوراهام، ایسحاق و یعقوب تحت بسیاری از سختی ها و آزمایش ها قرار گرفتند با این حال هیچگونه سئوالی از من نکردند.

اما در مورد این جوابی که خداوند به مشه میدهد نیز چندین سؤال وجود دارد.

الف: مشه ربنو به مقام بالا تری از مقام پدران ما رسیده بود. او هفتمین نسل از زمان اوراهام بوده

۲۴- راشی آغاز پاراشای نووح، برشیت ربا ۶-۳۰ ۲۵- برشیت ۱۹-۱۸ راشی ۱۹-۱۸

۲۶- راشی دواریم ۵-۱ رسوتا ۳۶ الف ۲۷- بمیدبار ۱۲-۱۱

۱- تورا اور- وانرا ۵۶ د ۲- شموت ۲-۲ سوطا ۱۳ الف ۳- لیکوتی تورا ص ۱۲ ج

۴- زوهر خاداش آغاز بیترو

و ربانیم گفته اند که "همواره هفتمین ها مقدس و عزیز هستند" ۵ حال که آنها اعمال خداوند را مورد سؤال قرار نداده بودند آیا مشه هم نمی بایست اعمال خداوند را مورد سؤال قرار دهد؟ ب: خداوند در جوابش به مشه عظمت پدران را توصیف می کند بنابراین می توانست بگوید که من «به اوراهام، ییسیحاق و بیسرائل ظاهر شدم» چرا که نام بیسرائل اشاره به حالت روحانی بالاتری می کند تا نام یعقوب ۶ چرا خداوند می گوید من به اوراهام ییسیحاق و یعقوب ظاهر شدم؟

ج: همه مطالب تورا دارای یک درس اخلاقی برای هر فرد یهودیست ۷ و تورا از طریق معمول خودش خارج می شود تا یک کلمه ناخوشایند در رابطه با حیوانات بکار نبرد ۸ چه برسد به در رابطه با یک فرد بیسرائل و چه برسد در رابطه با مشه که انسانی در حد و درجه و کمال بود. بنابراین ما می بایست به این نتیجه برسیم که زمانی که خداوند مشه را مورد سرزنش قرار میدهد حتما برای این کار یک دلیل بسیار قوی وجود دارد و آن تنها تاکید بر این مطلب نیست که او می بایست پدران را سمبل خود قرار بدهد.

ولی درک این مطلب بسیار مشکل است برای آنکه ما میدانیم که هر فرد یهودی در هر دوره ای این آزادی انتخاب را دارد که یا همچون مشه ربنو رفتار کند و یا همچون پدران ما این درست است که ربانیم ما گفته اند ۹ "دوره ای وجود ندارد که در آن مردان بزرگی همچون اوراهام ایسیحاق و یعقوب و مشه وجود نداشته باشند". ولی این مطلب فقط به افراد جدا شده و بخصوصی اشاره می کند. ولی تورا به همه بیسرائل ها داده شده است و در "مورد اکثریت صحبت می کند". پس بنابراین چگونه این مطلب که هر فرد بیسرائلی این آزادی انتخاب را دارد که یا مثل پدران رفتار کند و یا مثل مشه در مورد همه افراد بیسرائل صدق می کند؟ و ما چگونه می توانیم بگوئیم که در این مورد خاص (مورد سؤال قرار دادن اعمال خداوند) همه آنها می بایست همچون پدران رفتار کنند و نه همچون مشه؟

۲- مشه و پدران

تفاوت مشه و پدران ما اوراهام و ییسیحاق و یعقوب، در این است که مشه سمبل عقل و دانش (خوخما) بوده و در نتیجه از طریق او بود که تورا که عقل و دانش الهی می باشد به بیسرائل ها

۵-ویقرا ۱۱-۲۹ ۶-برای توضیح بیشتر رجوع شود به ص ۴۵ همین کتاب

۷- زوهر بخش سوم ۵۳ ب ۸-پساحیم ۳ الف توضیح بیشتر در ص ۹ ۹-برشیت ربا ۷-۵۶

که سئوالی را مطرح نمی کند. و به همین علت است که خداوند در ذکر نام پدران از نام یعقوب استفاده می کند و نه بیسرائل و نام یعقوب اشاره به سطح معنوی می کند که از نام بیسرائل پائین تر است. (در عبری کلمه «یعقوب» با کلمه «عقو به معنای پاشنه پا» در رابطه است. و کلمه بیسرائل از کلمات «لی روش» ترکیب شده است که به معنای "سراز آن من است" می باشد) ۲۳ و معنی ضمنی آن برای مشه آن است که عقل و دانش او می بایست احساس و عاطفه او را در بر گیرد و یا با قدرت ایمان او "قبالت عول" ترکیب بشود. معرفت و دانش می بایست با احساس و عاطفه یکی شده در یکدیگر نفوذ کرده و برهم تاثیر بگذارند.

۵- دانش و عمل

داشتن احساس و عشق نه فقط باعث میشود که انسان دارای ایمانی بشود که ورای سؤال قرار می گیرد بلکه این ایمان به عمل نیز منتهی میشود. عشق و عاطفه باعث میشود که انسان خوبی کند و ترس باعث میشود که "انسان از بدی پرهیز" ۲۴ کند. اما عقل و دانش به تنهایی به انزوا و گوشه گیری انسان منجر می شود. زمانی که قوای فکری انسان مشغول یادگیری میشود انسان علاقه خود را به عمل از دست داده و حتی اگر چه او می آموزد که چگونه عمل کند ولی دیگر علاقه ای به عمل نشان نمی دهد.

به همین علت است که ربانیم هشدار داده اند که "کسی که می گوید من کاری ندارم که انجام بدهم بجز یادگیری تورا چنین شخصی از تورا چیزی نمی داند". و معنای این موضوع این است که یادگیری تورا به "تنهایی" باعث میشود که رابطه انسان با دنیا قطع شود. پس یک چنین شخصی باید یادگیری اش را با عبادت عملی و احساس و عاطفه نسبت به دیگران توأم کند. مطالعه و یادگیری به تنهایی و بدون عمل یک یادگیری واقعی و حقیقی نمی باشد.

۶- پدر و فرزند

به همین علت است که اوراهام ایسیحاق و یعقوب که راه اصلی عبادتشان از طریق احساس عاطفه و عشق بوده است پدران ما خوانده شده اند. پدر کسی است که فرزند را ایجاد می کند. و از یک

۲۳-تنیا بخش اول فصل ۴

و غالب عبادت پدران ما از طریق احساس بوده است. صفتی که هر فرد یسرائل آنرا از آنها به ارث برده است.^{۲۰}

۳- سؤال مُشه

حالا ما می توانیم این مطلب را درک کنیم که چرا مُشه علی رغم دستیابی به مراحل بالاتری از روحانیت در مقایسه با پدران، اعمال خداوند را اینگونه مورد سؤال قرار میدهد، به این علت که یک انسان عقلانی خواهان آن است که علت همه چیز را درک کند. وزمانی که به موضوعی برخورد می کند که نمی تواند آنرا بفهمد این موضوع همچون دیواری میشود که مانع پیشرفت بیشتر او در عبادت خداوند میگردد. مشه خواهان جواب بود و برای آنچه که نمی توانست درک کند توضیح می خواست. و این توضیح و جواب او را یاری میکرد که بتواند عبادتش را از طریق دانش و عقل ادامه دهد.

۴- ایمانی که در آن سؤالی نیست

و جوابی که او می گیرد این است که "من خداوند هستم و من به اوراهام، ایسحاق و یعقوب به عنوان خداوند (کل شدی) قادر مطلق ظاهر شدم اما نام من (نام چهار حرفی) را به آنها نشناساندم". قبل از اهداء تورا خداوند تنها به عنوان «الوکیم» که نوع محدودی از ظهور خداوند و نشان دهنده ظهور خداوند در محدوده جهانی که دارای پدیده های متفاوت است ظاهر میشود.^{۲۱} و به همین علت کلمه الوکیم بصورت جمع آمده است. ولی بعد از اهداء تورا در سینمای خداوند بصورت نام چهار حرفی اش که به معنی بینهایت و ورای همه تقسیمات و پدیده های متفاوت است ظاهر میشود که در این حالت تقسیمات و تفاوت ها از بین رفته و تقسیم بندی مابین بالا و پائین و مابین احساس و عقل محو میشود. به این ترتیب آنچه که خداوند به مُشه می گوید این است که: زمانی که تو در آستانه آزادی قرار می گیری که نتیجه آن اهداء تورا می باشد. تو می بایست از این تقسیمات ظاهری مابین عقل و احساس پافراتر بگذاری. و حتی اگر چه تو در درجه اول مرد دانش و حکمت هستی این حالت تو می بایست با قدرت احساس و محبت ترکیب شود تا ایمانی را درست کند

۲۰-رمبام هیلخوت اول، ۲-۱۴ ۲۱-به همین ترتیب نام شدی نشانگر آن صفاتی از خداوند است که در دنیای

محدود ظاهر میشود، برشیت ربا ۲-۴۶ ۲۲-شموت ربا ۳-۱۲

داده شد و پدران ما در مقایسه با او مظهر و سمبل صفات نیک و احساسات (میدوت) بودند. اوراهام خداوند را در درجه اول از طریق احساس عشق و محبت عبادت میکرد و او به عنوان "اوراهام دوستار من"^{۱۰} خوانده شده است. و رفتارش با انسانهای دیگر همچون با خداوند با نوعی محبت و عشق چه مادی و چه معنوی. توأم بود. ییسحاق مظهر عبادت خداوند از طریق هیبت و قضاوت بود. در تورا از خداوند به نام هیبت ییسحاق یاد می کند^{۱۱} در نتیجه ییسحاق نمی توانست هیچگونه بدی را در جهان تحمل کند. "چشمان او زمانی که از بت پرستی زنان عسائو مطلع شد، ضعیف شد".^{۱۲} و بالاخره یعقوب نماینده رحم و شفقت می باشد که ترکیب کاملی ایست از عشق، هیبت، محبت و قضاوت، پاسوق "خدای پدران من خدای اوراهام و هیبت ییسحاق با من بود". به معنای آن است که او دارای هر دو نحوه عبادت اوراهام و ایسحاق بود بنابراین تمامی اعمالش کامل بودند. چه در مقابله با وسوسه ثروت (محبت الهی) در زمانی که بالاوان زندگی میکرد. و "آن مرد یعقوب بسیار بسیار ثروتمند^{۱۳} شد". و چه در مقابله با مسائل و مشکلات (دین) در زمانی که عسائو با چهار صد نفر به مقابله با او آمده بود. در تمامی اینها "یعقوب آوینو کامل بود" و در حد کمال رفتار میکرد. و "یعقوب به سلامتی و کمال به آنجا رسید".^{۱۴}

این به معنای آن نیست که ما صفات دانش و حکمت را در پدران و صفات احساس و عشق را در مُشه پیدا نمی کنیم پدران ما تورا می آموختند همانگونه که ربانیم گفته اند^{۱۵} خداوند به اوراهام بجای یک کلیه دو کلیه داده بود که همچون دو مرد عاقل به او عقل و دانش را "آموزش داده به او مشورت میدادند"^{۱۶}. "از زمان پدران مایشیواها هرگز از میان آنها از بین نرفت". بلکه مُشه سمبل و نمایانگر هر دو صفت رحم و شفقت و قضاوت و دین می باشد. تورا در مورد مشه می گوید و "مُشه رنج و مشقت آنها را دید"^{۱۷} "چشمان او و قلبش برای بنی یسرائل متاثر میشد" و این نمایانگر احساس رحم و شفقت اوست. و همچنین زمانی که فرد یسرائلی را مورد سرزنش قرار می دهد و می گوید.^{۱۸} "چرا رفیقت را میزنی"؟ این مطلب نشان دهنده صفت قضاوت و دین در اوست. ولی باین حال صفت بارز و غالب مُشه ربنو علم و دانش او بود به همین خاطر بود که او تورا را به یسرائل ها داده و تورا به نام او خوانده شده است. همانطور که گفته شده است "بیاد بیاورید تورا مشه بنده ام را"^{۱۹} و نحوه بارز

۱۰-یشعیا ۸-۴۱ ۱۱-برشیت ۴۲، ۳۱-۱۲ رایش برشیت ۱-۲۷ ۱۳-برشیت ۴۳-۳۰ ۱۴-برشیت ۱۸-۳۳ شبات ۳۳الف

۱۵-آووت و ربی ناتان آغاز فصل ۳۳-برشیت ربا آغاز فصل ۶۱ تنخوما، ویگش فصل ۱۲ ۱۶-یوما ۲۸ ب، رמבם

هیلخوت عوودا زارا پایان فصل ۱ ۱۷-شموت ۱۱-۲ ۱۸-شموت ۱۳-۲ ۱۹-ملاخی ۲۲-۳